



# ظفرنامه

## متنی از دوره تیموری

بقید از صفحه ۱

بیان شده‌اند دربرگیرنده «ایران و توران از قلماق تا باقصای روم و از هندوستان تا نهایت شام و از خوارزم و دشت قیچاق تا پایان روس و چرکس و بلغار و فرنگ» بوده است. اما محدوده مکانی تمامی رویدادها از دیدگاه ویژه تاریخنگاری یزدی منطقه ماوراءالنهر یا بخش غربی الوس جنتای به

مرکزیت سمرقند بوده است زیرا بازگشت و رویکرد تمامی رویدادها در کتاب به لحاظ مکانی ماوراءالنهر می‌باشد. بنابراین ظفرنامه با شرح رویدادهای ماوراءالنهر آغاز می‌شود و یا گزارش چگونگی به تخت نشستن جانشین نامشروع تیمور در شهر سمرقند تختگاه ماوراءالنهر به پایان می‌رسد.

یکی از ویژگیهای ظفرنامه یزدی تعیین دقیق حدود مکانی وقوع رویدادها است. وی عموماً پس از معرفی مکان وقوع رویداد فاصله آن مکان را بنا بر مقیاس فرسخ نسبت به شهر یا محلی مشهور تعیین می‌کند. بعنوان نمونه یزدی محل تلاقی سپاهیان تیمور در واقعه‌ای را چنین بیان می‌نماید «در یل خالص که نزدیک جبل حمری واقع است در دوازده فرسخی بغداد و چهار فرسخی قبه ابراهیم لک مجموع بهم رسیدند»<sup>۱۲</sup>

کتاب ظفرنامه یزدی به لحاظ تقسیم بندی متون تاریخی در دسته یسندی فتح نامه‌ها قرار می‌گیرد و لذا دو ویژگی عمده را می‌توان در آن مشاهده نمود. اول اینکه ظفرنامه کتابی است که بر مبنای موضوعی خاص یعنی فتوحات نگاشته شده است. آنگونه که یزدی می‌نگارد «در هیچ حال از توسیع دایره حکومت و تفسیح عرصه مملکت شبی یا روزی غافل و ذاهل ننغود و نیاسود و در اثنای سفر بود که از زین سمند لشکرکشی و کشورگشایی بسریر پادشاهی و فرمان روائی برآمد و با سلطنت روی زمین و هم در اثنای سفر دعوت حق را اجابت نمود»<sup>۱۳</sup> دوم اینکه کتاب ظفرنامه دارای ویژگی شخصیت محوری است زیرا تمامی رویدادهای بیان شده در کتاب بر حول شخصیت تیمور می‌چرخند حتی رویکرد رویدادهای پیش از قدرتگیری تیمور نیز بر شخص تیمور و رویدادهای زمان وی مرتبط می‌باشد. در واقع همانگونه که نگارش کتب فتوح در قرون نخستین اسلام به دلیل رفع شبهات و مشکلات مالی در ارتباط با تعیین نوع زمین بوده است نگارش ظفرنامه نیز می‌توانست در راستای تعیین چگونگی واگذاری مناطق فتح شده به فرزندان و نواده‌گان تیمور در زمان حیات وی و سپس تعیین حقوق حاکمیت هر یک از آنان پس از

و دین اسلام در جهت توصیف مشروعیت حاکمیت تیموریان استفاده ببرد. یزدی مقاله اول یا متن کتاب را با شرح رویداد تولد تیمور بدینگونه آغاز می‌کند: «اختر جهانبانی از اوج عنایت ربانی درخشیدن آغاز نهاد و بتاریخ شب سه‌شنبه بیست و پنجم شعبان سنه ست و ثلثین و سبعمانه ... وجود حضرت صاحبقرانی از مطلع ولادت فرخنده آثار طالع گشت»<sup>۱۴</sup> و سپس کتاب ظفرنامه را با بیان رویدادهای جلوس و حکومت امیرزاده خلیل سلطان در تاریخ «روز چهارشنبه شانزدهم رمضان سنه سبع و ثمانمانه» به پایان می‌رساند. بنابراین چارچوب زمانی کار یزدی در سال ۷۳۶ هـ ق تا سال ۸۰۷ هـ ق بوده است. اما هر چند قالب زمانبندی شده از سوی یزدی برای تدوین ظفرنامه تولد و مرگ تیمور بود ولی از آنجا که از دیدگاه یزدی رویدادهای تاریخی در ارتباطی علی با هم بسر می‌برند، وی نگارش واقعی رویدادها را از زمان شورش امیر قزغن برخان الوس جنتای به نام قزان خان در سال ۷۳۳ هـ ق یعنی سه سال پیش از تولد تیمور آغاز کرد.<sup>۱۵</sup> در واقع یزدی رویداد آغاز دوره امارت امرا در ماوراءالنهر یا بخش غربی الوس جنتای را نقطه شروع کار خویش قرار داد. بنابراین یزدی در ظفرنامه رویدادهای ۷۴ سال از تاریخ ماوراءالنهر و ایران را گزارش کرده است.

محدوده جغرافیایی که رویدادهای کتاب در آن یا تحت تأثیر آن شکل گرفته و

براساس طرح پیشنهادی ابراهیم سلطان حاکم فارس قرار بود کتابی که امروزه با نام ظفرنامه مشهور است با نام «تاریخ جهانگیر» شامل یک مقدمه دو فصل و یک خاتمه نگاشته شود.<sup>۱۶</sup> اما یزدی پس از اتمام مقدمه و هنگام نگارش اصل کتاب کار خود را شامل یک مقدمه و سه مقاله معرفی می‌نماید. که مقاله اول را در برگیرنده رویدادهای دوره تیمور و مقاله دوم را در برگیرنده حکومت شاهرخ و مقاله سوم را دربرگیرنده وقایع ایام حکمرانی ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ در فارس تعیین می‌کند.<sup>۱۷</sup> ولی سرانجام یزدی تنها موفق به نگارش مقدمه و مقاله اول شامل رویدادهای حکومت تیمور تحت عنوان «ظفرنامه» گردید و کار نگارش که از سال ۸۲۲ هـ ق آغاز شده بود در سال ۸۲۸ هـ ق در شیراز به اتمام رسید. یزدی در مقدمه‌ای که بر ظفرنامه نوشت تلاش کرد پیشینه‌های قدرتمند و مشروع از اسلاف تیمور بواسطه ارتباط نسبی نزدیک با چنگیز خان ترسیم نماید و جایگاه روشن پیشینیان تیمور در کنار شاهان ایرانی<sup>۱۸</sup> و نیز اتصال سلسله نسب تیمور از طریق نوح به پیامبران و سرانجام آدم را نشان دهد.<sup>۱۹</sup> در واقع یزدی در این مقدمه در نظر داشت از تمامی ویژگیهای نظام حکومتی تیموریان شامل: نژاد ترکی و مغولی، حاکمان، رعایای ایرانی

۲۶۷۷۲ به تاریخ ۱۰۳۷ هـ ق و نیز نسخه چاپ کلکته به تصحیح مولوی محمد الهداد اقدام به تصحیح و مقابله و سپس چاپ ظفرنامه یزدی در دو مجلد کرد. عباسی در کار تصحیح و مقابله نسخه کتابخانه شخصی خویش را اصل قرار داد و به گفته خودش سه نسخه دیگر را با آن مقایسه کرد اما چنین می‌نماید که وی بیش از اینکه کتابخانه شخصی خود را با دو نسخه مجلس مقابله کند، نسخه مذکور را با نسخه چاپی کلکته مقابله کرده است. در مقدمه‌ای که عباسی بر کار خویش نگاشته بحثی تحت عنوان فوائد اجتماعی و فلسفی کتاب را طرح نموده است که شایسته بود بحث بر سر موضوعات مذکور را به فرصت دیگری موکول می‌کرد. همچنین متن چاپ شده توسط وی فاقد فهرست اعلام می‌باشد؛ اما علی رغم بعضی کاستیها کار منحصر به فرد عباسی به دلیل تصحیح و چاپ ظفرنامه یزدی در ایران شایان تقدیر است. از آنجا که کار عباسی فاقد قسمت «مقدمه» نوشته یزدی بود. در سال ۱۹۷۲ عصام الدین اورونیایوف در جمهوری ازبکستان اتحاد جماهیر شوروی اقدام به چاپ کامل هر دو قسمت کار یزدی شامل مقدمه و ظفرنامه کرد.<sup>۲۰</sup> به قرار اطلاع اخیراً آقای دکتر خیراندیش مقدمه را بطور مستقل تصحیح و آماده چاپ کرده است.

**ظفرنامه**

تاریخ فتوحات امیر تیمور کورکانی  
مجله‌ای خوشین ترین قتل عام شهرهای ایران  
تألیف: نظام الدین شای  
شامل نقش آفرینی‌های بی‌سابقه در تاریخ و فرهنگ  
ایران و سراسر جهان  
مؤلف: شرف الدین علی یزدی

**ظفرنامه**

تاریخ فتوحات امیر تیمور کورکانی  
مجله‌ای خوشین ترین قتل عام شهرهای ایران  
تألیف: نظام الدین شای  
شامل نقش آفرینی‌های بی‌سابقه در تاریخ و فرهنگ  
ایران و سراسر جهان  
مؤلف: شرف الدین علی یزدی

**ظفرنامه**

تاریخ فتوحات امیر تیمور کورکانی  
مجله‌ای خوشین ترین قتل عام شهرهای ایران  
تألیف: نظام الدین شای  
شامل نقش آفرینی‌های بی‌سابقه در تاریخ و فرهنگ  
ایران و سراسر جهان  
مؤلف: شرف الدین علی یزدی

مرگ تیمور سودمند واقع شود. بنابراین نگارش ظفرنامه یزدی در دوره تیموری بنا به ضرورت ختم درگیریهای سیاسی در میان خاندان تیمور و نیز در تعیین استحقاق حاکمیت تیموریان در برابر رقبا و مدعیان قدرت این خاندان صورت پذیرفت.

در مورد شواهد و مدارک مورد استفاده یزدی در نگارش کتاب چنانکه خود در مورد ویژگیها و مزایای کتاب میگوید در کنار تیمور «اهل فضل و دانش از بخشیان ایغور و دبیران فرس ملازم می بوده اند»<sup>۱۴</sup> و تمامی رفتار و سخنان وی را ثبت می نمودند و ظاهراً همگی این نوشته ها توسط ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ جمع آوری شده بود و در هنگام نگارش هر واقعه در مجلس ابراهیم سلطان کسانی «که گاه وقوع آن حاضر بوده اند اوضاع را چنانچه برای العین دیده بودند»<sup>۱۵</sup> بیان می کردند و حتی اگر رویدادی در پرده ابهام بود به ممالک اطراف نامه نگاری می شد و از «معتلمان صاحب وقوف»<sup>۱۶</sup> نظرخواهی می شد. بنابراین رویدادهای جنبه تاریخننگاری رسمی موقت و معتبر هستند زیرا اگرچه تاریخننگاری رسمی از جنبه های مانع نگارش بعضی حقایق تاریخی بوده است اما همین خصیصه رسمی بودن می توانست موجب ثبت دقیق بیشتر رویدادها گردد. از سوی دیگر یزدی برغم گزارش مفصلی که در مورد مدارک مورد استفاده اش عرضه نموده است متأسفانه هیچگونه نامی از ظفرنامه شامی که به جرات می توان گفت بیشتر مطالب کتابش را از آن منتقل نموده نبرده است. بعنوان نمونه در گزارش چگونگی فتح بغداد در برخی جایها عیناً کلمات یا جملات ظفرنامه شامی توسط شرف الدین علی یزدی به کار رفته است. از جمله شامی می نویسد «فرج نامی که پیش از این بنایت بی وجود بوده و اکنون صاحب اختیار شده بود دلش نمی داد که زود زود از سر امارت و بزرگی درگذرد»<sup>۱۷</sup> و یزدی می نویسد «فرج بی فرجام چون عرق اصالتی در بزرگی و ایالت نداشت و آن مرتبه به گزاف یافته بود دلش نمی داد که زود زود از سر منصب و جاه برخیزد»<sup>۱۸</sup> باقی مطالب نیز با همان مفاهیم و ترتیب بدین رویدادها از سوی شامی عنوان شده اند و تنها یزدی از کلمات مترادف استفاده کرده است.

چگونگی ترکیب متن نشانگر روش تاریخننگاری یزدی است. وی ظفرنامه را در ۳۲۶ گفتار نگاشته است و از آنرو که کتاب بر حول محور شخصیت تیمور و موضوع فتوحات شکل گرفته است طبیعی بوده است که رویدادها بنا به ترتیبی که رخ داده اند در

زیر عناوین فتوحات تیمور دسته بندی و بیان شوند بنابراین در روش تاریخننگاری یزدی که بی شک تقلیدی مستقیم از روش تاریخننگاری ظفرنامه شامی است، بیان رویداد بر زمان مقدم است و می توان چنین پنداشت که محور تاریخننگاری یزدی رویدادها است نه زمان، زیرا همواره ارتباط تنگاتنگی میان چگونگی وقوع رویداد متقدم و متأخر در نوشته های یزدی مشاهده می شود. بعنوان نمونه وی در بیان رویدادهای سال ۸۰۴ هـ ق اشاره کوتاهی به رویدادهای سال ۷۹۵ هـ ق می نماید و می نویسد «پیش از این رقم زده کلک بیان گشت که سلطان احمد جلایر از بیم عساکر گردون مائر از بغداد بیرون رفته بود»<sup>۱۹</sup> بنابراین بدون آنکه مجدداً تاریخ فرار سلطان احمد جلایر را عنوان نماید بنا به اقتضای موضوع و ارتباطی که وقایع این دو زمان با هم داشته اند به جهت نشان دادن اثرپذیری رویدادها از یکدیگر هر چند با فاصله زمانی ۹ ساله به اختصار رویداد سال ۷۹۵ هـ ق را یادآوری می کند. در واقع در روش تاریخننگاری یزدی این زمان می باشد که برحول محور رویدادها می چرخد بر خلاف شیوه تاریخننگاری سالی شماری که در آن رویداد بر حول محور زمان می گردد. بی شک تفاوت انگیزه مورخان از نگارش تاریخ بر روش آنان تأثیر مستقیم می گذارد. انگیزه مورخی که با روش تاریخننگاری سالی شماری تاریخ می نگارد بیان رویدادهای هر سال، ماه و روز می باشد که معمولاً در شکل تاریخ عمومی جلوه گر می شود. اما انگیزه یزدی بیان رویدادهایی است که در ارتباط با تیمور و فتوحات اوست. بنابراین روش تاریخننگاری یزدی رویداد نگاری ترتیبی بوده است.

ساختار نگارش هر گفتار را می توان به دو گونه گوناگون محتوایی تقسیم کرد. گونه ای از محتوای هر گفتار بطور پراکنده در قالب نظم و نثر به مدح و ستایش صحنه سازان ظفرنامه اختصاص یافته است و گونه دیگری از محتوای هر گفتار به گزارش دقیق رویدادهای تاریخی پرداخته است. بعنوان نمونه در تحلیل محتوای یکی از گفتارهای ظفرنامه تحت عنوان «گفتار در توجه نمودن صاحب قرانی بجانب قرشی» معلوم گردید که میزان ۳۲/۵ درصد از واژه های بکار رفته در این گفتار مداحی است و ۶۷/۵ درصد از واژه ها به گزارش رویداد اختصاص یافته اند. بنابراین نبایستی زیادی حجم ظفرنامه یزدی را مزیتی مهم نسبت به ظفرنامه شامی دانست مگر در مورد گزارش سال آخر حیات تیمور که در ظفرنامه شاهی ثبت

نشده است.

بررسی وضعیت محتوایی رویدادها نیز از اهمیت بسزایی برخوردار می باشند. در واقع وضعیت محتوایی رویدادهای نگاشته شده از سوی یزدی پیرو وضعیت نگرش وی به قضایای تاریخی و انتخاب نوع ویژه ای از قضایای تاریخی جهت تألیف کتاب بوده است. از آنجا که موضوع کتاب بررسی فتوحات بر حول محور شخصیت تیمور بود. یزدی به تمامی رویدادها از دریچه جنگ می نگرست و قضایای جنگی تاریخ را انتخاب می کرد. و لذا یزدی به خاطر ایجاد هماهنگی میان موضوع و محتوا مجبور بود در چارچوب کشورگشایی رویداد نگاری کند در حالیکه بعنوان نمونه احمد بن کاتب نگارنده «تاریخ جدید یزدی» بنا به الزام موضوع کتاب که بررسی تاریخ یک شهر بود می بایست به بررسی ویژگیهای ساخت شهر و چگونگی توسعه دامنه عمارات و موضوعات مستوعتری از دوره تیموری می پرداخت.<sup>۲۰</sup> اما نباید پنداشت که چون نوع قضایای تاریخی انتخاب شده از سوی یزدی قضایای جنگی دوره تیمور بوده است بنابراین ظفرنامه یزدی تنها به کار نگارش تاریخ درگیریهای نظامی دوره تیمور می آید. بلکه اگرچه قالب محتوایی رویدادهای عنوان شده در ظفرنامه قضایای جنگی تاریخ دوره تیمور است اما شکی نیست که نحوه نگرش مورخ امروزی نیز به اجزای قضایای تاریخی مذکور تأثیر چشمگیری در چگونگی انتخاب اجزاء قضایای موجود در ظفرنامه برای نگارش موضوعاتی به غیر از کشورگشایی خواهد داشت. بنابراین اگر مورخ بخواهد از ظفرنامه برای نگاشتن تاریخ کشورگشایی یعنی همان قضایایی که خود یزدی طرح نموده است بهره ببرد می بایست تمامی اجزای هر قضیه تاریخی مورد مطالعه را در ارتباط با هم و بصورت یک مجموعه مرتبط و منسجم در نظر گیرد. اما اگر موضوع دیگری در ذهن داشته باشد یا بخواهد گونه دیگری از قضایای تاریخی را از مستن ظفرنامه استخراج نماید می بایست از جمع آوری و سپس جمع بندی یک قسمت جزئی از اجزای چند قضیه تاریخی موجود در ظفرنامه یک قضیه جدید تاریخی ترتیب دهد. بعنوان نمونه معمولاً یکی از اجزای هر قضیه تاریخی بیان شده از جانب یزدی چگونگی واگذاری سیورغال به امرا یا شاهزادگان از جانب تیمور می باشد. بنابراین مورخ با انتخاب و سپس جمع بندی دقیق تمامی اطلاعات در زمینه سیورغال می تواند قضیه تازه ای بدست آورد. استفاده از گونه های متفاوت تقویم نیز

یکی از ویژگیهای ظفرنامه یزدی است. در واقع تقویمهای مورد استفاده در ظفرنامه یزدی همانگونه که خودش می گوید «چون مشهورترین تواریخ هجری و ترکیست مبنی این کتاب برین دو تاریخ نهاده شد»<sup>۲۱</sup> همچنین یزدی هنگامی که تاریخ وقوع رویدادی در سال مشخص را می گوید چون به گفتار بعدی می پردازد اگر گفتار متأخر نیز مربوط به همان سال باشد از این پس تنها ماه و شماره روز و اینکه رویداد در کدام روز هفته بوقوع پیوسته را بیان می کند. یزدی حتی شب و روز بودن زمان وقوع رویداد را نیز گوشزد می نماید.

زیرنویس ها:

- ۱- شرف الدین علی یزدی، ظفرنامه، تصحیح محمّد عباسی، ج ۲، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۶ هـ ش، ج ۱، مقدمه ص ۲۲.
- ۲- همو، ظفرنامه تهیه و تنظیم عصام الدین اورونبايوف، چاپ اول، تاشکند، اداره انتشارات فن، ۱۹۷۲ م.
- ۳- همان، ص ۳۶.
- ۴- یزدی، تصحیح عباسی، صص ۱۶ و ۱۳ و ۱.
- ۵- همو، تصحیح اورونبايوف، ص ۵۳.
- ۶- همان، ص ۴۵ به بعد.
- ۷- یزدی، تصحیح عباسی، ص ۸.
- ۸- همان، ج ۲، ص ۵۰۵.
- ۹- همان، ج ۱، ص ۲۱.
- ۱۰- همان، ج ۱، ص ۲۱.
- ۱۱- همان، ج ۲، ص ۵۱۳.
- ۱۲- همان، ج ۲، ص ۲۷۸.
- ۱۳- همان، ج ۱، ص ۱۸.
- ۱۴- همان، ص ۱۹.
- ۱۵- همان، ص ۲۰.
- ۱۶- همان، ص ۲۰.
- ۱۷- نظام الدین شامی، ظفرنامه، به کوشش پناهی سمنانی، چاپ اول، بی جا، انتشارات بامداد، ۱۳۶۳ هـ ش، ص ۳۳۹.
- ۱۸- یزدی، تصحیح عباسی، ج ۱، ص ۲۵۸.
- ۱۹- همان، ج ۲، ص ۲۷۵.
- ۲۰- احمد بن کاتب، تاریخ جدید یزدی، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، صص ۱۱۳-۸۹.
- ۲۱- یزدی، ظفرنامه، تصحیح اورونبايوف ص ۳۸.